

Original Paper **Investigating the educational allegories of the Haft peykar in creating a pedagogical play**

Somayeh Avarand^{1*} , Nima Khademi² 

Abstract

Pedagogical play is one of the practical methods of play in the field of education and its most important goal is to help the growth and development of actors, especially children and adolescents, to convince the aesthetics and artistic taste of the audience. Since the themes of such plays have a direct impact on the education of children and Iran is one of the countries that is very rich in educational literature, inspiration from these texts can be helpful in this regard. Therefore, in the present study, which was conducted by descriptive-analytical method of content, the Haft Peykar, which is a combination of educational and romantic themes, has been examined. At first, educational allegories were discovered, and after interpreting and examining them, how to use allegories in the construction of pedagogical plays for children and adolescents. The findings indicate that although the Haft Peykar is a lyrical work and has scenes and events that may not be useful to children and adolescents, due to the high frequency of educational concepts included in its allegorical stories as well as high narrative aspects, Some stories can be recreated, revised, combined, and others can be rewritten and adapted to create a pedagogical representation.

Keywords: Educational themes, Allegorical stories, Haft peykar, Pedagogical play.

1. PhD in Persian Language and Literature, Lecturer at Farhangian University and Expert in Literary Creations, Children and Adolescents Intellectual Development Center, Shiraz, Iran.
Xonia.avarand@yahoo.com
2. Undergraduate student, Farhangian University, Shiraz, Iran.

Please cite this article as (APA): Parvin, M., Hosseini Kazerooni, S., khalg zade, M. (2022). A reflection on allegory in the lyric poetry of Chenisernameh. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly*, 14(52): 9-15. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1401.14.52.1.9>



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



DOR: 20.1001.1.2717431.1401.14.52.1.9

Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 52 / Summer 2022

Received: 21 April 2022

Received in revised form: 30 July 2022

Accepted: 30 July 2022

Published online: 30 July 2022



مقاله پژوهشی بررسی تمثیل‌های هفت‌پیکر در ساخت نمایش پداگوژیک


سمیه آورند^۱ ID، نیما خادمی^۲ ID

چکیده

نمایش پداگوژیک، یکی از شیوه‌های کاربردی نمایش در حیطهٔ تعلیم و تربیت است و مهم‌ترین هدف آن، کمک به رشد و پرورش بازیگران به ویژه کودکان و نوجوانان است، تا اقناع زیباشناختی و ذوق هنری تماشاگران. از آنجا که مضامین اینگونه نمایش‌ها تأثیر مستقیم بر آموزش و تعلیم کودکان دارد و ایران یکی از کشورهایی است که در ادبیات تعلیمی-تربیتی بسیار غنی است، الهام از این متون می‌تواند در این زمینه ضروری و راهگشا باشد. از آنجا که به نظر می‌رسد تا کنون تحقیقی مشابه صورت نگرفته است، در پژوهش حاضر که به روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی محتوا انجام شده، هفت‌پیکر نظامی که ترکیبی از مضامین تعلیمی-تربیتی و عاشقانه است، مورد بررسی قرار گرفته. در ابتدا تمثیل‌های تعلیمی و تربیتی، کشف شده و بعد از تفسیر و بررسی آن‌ها به چگونگی استفاده از تمثیل‌ها در ساخت نمایش پداگوژیک، ویژهٔ کودک و نوجوان پرداخته شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که اگرچه هفت‌پیکر نظامی، اثری غنایی است و صحنه‌ها و حوادثی دارد که ممکن است به کار کودک و نوجوان نیاید، اما به خاطر وجود بسامد بالایی از مفاهیم تعلیمی-تربیتی که در داستان‌های تمثیلی‌اش گنجانده شده و همچنین جنبه‌های روایی بالا، می‌توان از بعضی از داستان‌ها با استفاده از شیوه‌های بازآفرینی، بازنگری، روش‌های تلفیقی و از بعضی دیگر با استفاده از شیوهٔ بازنویسی و اقتباس برای ساخت نمایش پداگوژیک بهره برد.

واژگان کلیدی: داستان‌های تمثیلی، هفت‌پیکر نظامی، نمایش پداگوژیک.

- ۱- دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان و کارشناس آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شیراز، ایران. (نویسندهٔ مسؤول) Xonia.avarand@yahoo.com
 ۲- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، شیراز، ایران

لطفاً به این مقاله استناد کنید: آورند، سیمیه، خادمی، نیما. (۱۴۰۱). بررسی تمثیل‌های هفت‌پیکر در ساخت نمایش پداگوژیک. فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، ۱۴(۵۲): ۸-۱۵. http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1401.14.52.1.9	
	حق مؤلف © نویسندگان. DOR: 20.1001.1.2717431.1401.14.52.1.9
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و دوم / تابستان ۱۴۰۱ / از صفحه ۸-۱۵	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۵/۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۸	تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۱/۵/۸

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین ابزارهای ادبی که از دیرباز مورد توجه شاعران ایرانی به خصوص در ساخت مفاهیم غنایی، حماسی، عرفانی و ... بوده، تمثیل است. در بین آثار ادب فارسی، هفت‌پیکر نظامی گنجوی، اگرچه به عنوان یکی از مهم‌ترین منظومه‌های غنایی و آثار ادبی به شمار می‌آید، اما به دلیل استفاده از تمثیل‌های غنی می‌توان به عنوان منبعی تعلیمی- تربیتی نیز از آن بهره برد؛ از آنجا که اصولاً ذهن فطری بشر با تمثیل سازگارتر است، باعث می‌شود که از خشکی سخن کاسته شود و ذهن مخاطب را به سوی مقصود گوینده بر سوق دهد. نظامی در این اثر از انواع روش‌های تربیتی با استفاده از تمثیل‌های روشن برای تفهیم پند و موعظه‌های خود به مردم عادی - همچون قرآن کریم و سایر کتب آسمانی- بهره گرفته است، تا بدین وسیله بتواند در تأثیرگذاری مثبت بر زندگی انسان‌ها نقش بسزایی داشته باشد. در این بین شاید بتوان گفت متونی مانند هفت‌پیکر می‌تواند در تعلیم و تربیت و آموزش غیرمستقیم به نسل جدید تأثیر شگرفی داشته باشد و از این رو دست به آشنایی‌زدایی زد.

۲. بیان مسئله

تمثیل یکی از ابزارهای ادبی است که ساختاری اخلاق مدارانه و آموزش محور دارد و باعث تأثیر دوچندان اثر ادبی می‌شود که با بسامدی در خور توجه در متون تعلیمی، غنایی، عرفانی و ... نمود یافته است. «پدیده آورنده آثار تعلیمی برای تقریر و توضیح مطلب اخلاقی خود یا ایضاح و تثبیت آن در ذهن مخاطب از این شیوه ادبی تمثیل بهره می‌جوید.» (وفایی و آقابابایی، ۱۳۹۲). داستان‌های تمثیلی به طور کلی به خاطر زیبایی و کششی که در شاکله خود دارند، از جایگاه ویژه‌ای بین شاعران و نویسندگان برخوردار است و رویارویی با آن مخاطب را به خلسه روحی می‌رساند. «اصولاً ذهن فطری بشر با تمثیل سازگاری دارد؛ از این رو یکی از شیوه‌های تعلیمی رایج در کتب آسمانی و روش‌های بلاغی و مؤثر پیامبران الهی، مصلحان و مربیان بشر، استفاده از تمثیل است؛ زیرا تمثیل بجا و گویا از خشکی سخن می‌کاهد و ذهن مخاطب را به سوی مقصود گوینده راهنمایی می‌کند و از طرفی تمثیل و حکایات تمثیلی جنبه لذت‌آوری و تأثیرگذاری دارد و شعر تعلیمی را تقویت می‌کند و به این وسیله فهم معانی و معارفی را که اندکی پیچیده و دور از تجربه عموم است، تا سطح ادراک عموم، ساده و قابل درک می‌کند.» (آباد و همکاران، ۱۴۰۰).

نمایش پداگوژیک نوعی روش آموزشی و ابزاری برای رشد و توسعه اجتماعی است. «نمایش پداگوژیا^۱ اصطلاحی است که در زبان آلمانی کاربرد دارد و به آن دسته از نمایش‌هایی اطلاق می‌شود که روند تمرینات و تأثیرات آن روی شرکت‌کنندگان، مهم‌ترین ویژگی آن است و اجرای محصول نهایی، هدف آن است. شرکت‌کنندگان در این نمایش را گروه‌های مختلف اجتماعی مانند کودکان، جوانان و ... تشکیل می‌دهند.» (Fleer & Kamaralli, 2017)

در این روش، به جنبه‌های هنری و زیباشناختی نمایش توجه نمی‌شود و صرفاً وجه آموزشی آن مورد نظر است که در نهایت منجر به خودشناسی می‌شود. موضوعات این نوع نمایش را بیشتر مسائل و دغدغه‌های گروه هدف تشکیل می‌دهد و انتخابش بر عهده همه شرکت‌کنندگان است.

این نوع نمایش از یک سو بیشتر بر حرکت بدن متکی است و از آنجا که بازیگرانش افراد معمولی جامعه هستند، متن پیچیده و تخصصی نمایشی ندارند و از دیگر سو، نمایش پداگوژی وسیله‌ای برای بیان مشکلات و معضلات جامعه و در نهایت ارائه راه‌حل برای آن‌هاست. اگرچه خاصیت این نوع نمایش، مختص قشر خاصی نیست و همه، از کودک گرفته تا بزرگسال می‌توانند از آن بهره ببرند، اما متأسفانه در ایران به شدت مهجور مانده و تنها در حد پژوهش‌های سطحی و تئوری است.

نمایش پداگوژی در وهله نخست یک کار فرهنگی-هنری است و در مرحله بعد، شخصیت افراد را مورد هدف قرار می‌دهد تا خود را بشناسند، پرورش دهند و در جامعه نمود پیدا کنند.

«دو اصل مهم در نمایش پداگوژی، انسان‌ها و برقراری ارتباط بین انسان‌هاست. یکی از تفاوت‌های این نوع نمایش با نمایش معمول در این است که نمایش پداگوژی خارج از منافع مادی یا سیاسی شکل می‌گیرد و این که بر پایه دو مفهوم تعلیم و تربیت، گروه‌های هدف را انتخاب کرده و در رشد آن‌ها و کسب رضایت افراد گروه هدف، تلاش می‌کند. نمایش پداگوژیک با از بین بردن مرزهای شخصی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباطی انسانی شکل می‌دهد. در واقع نمایش پداگوژی با بهره‌گیری از صدا، بدن و احساسات مشترک بشری در پی ایجاد زبان مشترک بین آدم‌هاست.» (دارابی پور، ۱۳۹۱).

با توجه به ویژگی‌های نمایش پداگوژیک، به نظر می‌رسد که این نوع نمایش بتواند در آموزش و تعلیم کودکان و نوجوانان ایران اثربخشی زیادی داشته باشد. در این راستا، بهره‌گیری از متون کهن و غنی، همچون هفت‌پیکر نظامی که طرح داستان‌های حکمت‌آمیز آن، به جهت بیان حقایق پندآموز از شیوه

¹ Pedagogy theater

درست زندگی است، می‌تواند غنای بیشتری به اهداف این نوع نمایش بدهد و با بومی‌سازی کردن فضای نمایش‌ها، امکان تأثیرگذاری آن بر مخاطب، دو چندان می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش

به منظور ارائه گزارش از اهمیت و ضرورت این تحقیق، باید افزود که پس از بررسی آثار و پژوهش‌های گوناگون به نظر می‌رسد که تاکنون پژوهش مستقل و گسترده‌ای به صورت موردی در زمینه بررسی مضامین تعلیمی-تربیتی هفت پیکر نظامی در ساخت نمایش پداگوژیک انجام نشده است. با این حال تحقیقاتی بودند که در راستای تدوین این پژوهش از دستاوردهای علمی آن‌ها در این حوزه استفاده شد؛ به عنوان نمونه به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

آباد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «تمثیل شگردی تعلیمی در مثنوی معنوی» شگردهای تمثیل پردازی مولانا را بیان می‌کند.

سپه‌وندی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «جنبه‌های تأویلی و تمثیلی داستان روز شنبه در گنبد سیاه (از هفت پیکر نظامی)» به بررسی و تحلیل تمثیل داستان روز شنبه در هفت پیکر پرداخته است. و فای و آقابابایی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «بررسی کارکرد تمثیل در آثار ادبی تعلیمی»، کارکرد تمثیل در ادبیات تعلیمی را در چند مورد خلاصه کرده‌اند و بر آن‌ها تأکید داشته‌اند.

۴. پرسش‌های پژوهش

از آنجا که هفت پیکر نظامی یکی از متون جذاب فارسی و در بردارنده ظرافت‌ها و زیبایی‌های ادبیات غنایی و سرشار از تمثیل‌هایی با مفاهیم و مضامین تعلیمی-تربیتی است، این پژوهش تلاش دارد این مضامین را در ساخت نمایش پداگوژیک مورد بررسی قرار دهد و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- جایگاه متون کهن برای ساخت نمایش پداگوژیک کجاست؟
- برای ساخت نمایش پداگوژیک با الهام از هفت پیکر، از چه شیوه‌هایی می‌توان بهره برد؟

۵. اهداف پژوهش

- تبیین جایگاه تمثیل‌های تعلیمی-تربیتی هفت پیکر در ساخت نمایش پداگوژیک.

۶. روش گردآوری و شیوه پژوهش

مطالعه «بررسی تمثیل‌های هفت‌پیکر در ساخت نمایش پداگوژیک» با توجه به ویژگی و ماهیت آن، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

۷. بحث و بررسی

۱-۷. جنبه‌های نوآوری

هرچند نمایش پداگوژیک مبتنی بر خلاقیت و بداهه‌گویی است، اما متون کهن و مضامین تعلیمی-تربیتی موجود در آن‌ها می‌تواند برای فضاسازی یا حتی متون ساده‌نمایشی مورد استفاده قرار گیرد. مقاله حاضر سعی دارد تا با بررسی تمثیل‌های تعلیمی-تربیتی هفت‌پیکر نظامی برای مخاطب کودک و نوجوان، متون نمایشی و فضاسازی بومی برای اجرای نمایش پداگوژیک ارائه دهد.

۲-۷. نمایش پداگوژیک و مؤلفه‌های آن

نمایش پداگوژی یک گفتگوی دوجانبه است. یک پداگوژیست باید گروهی فکر کند. او باید دیدی انتقادی نسبت به گروهش و کار گروهش داشته باشد و با داشتن تسلط کافی بر مشکلاتی که ممکن است در طول تمرین یا اجرا پیش بیاید، آگاه باشد. یک پداگوژیست در ارتباط با کودکان باید توانایی ارائه بازی‌های کودکانه را نیز داشته باشد تا بتواند با آن‌ها وارد بازی شود. کار او در ارتباط با زیباشناسی و پرورش زیباشناسی است. او باید از آموخته‌های بازیگری و کارگردانی بهره بگیرد. در ضمن بر نوع رفتارش با گروه هدف آگاه باشد. او باید با شناخت کافی از گروه نحوه برخورد با آن‌ها را مشخص کند و چگونگی رسیدن به هدف را طبق حساسیت‌های گروه برنامه‌ریزی کند تا هم ارتباطی صحیح و انسانی شکل گیرد و هم گروه او را با شور و انرژی همراه کند. هدف اصلی نمایش پداگوژیک انسان‌ها هستند، نه هنر نمایش. در واقع دو اصل مهم در نمایش پداگوژیک، انسان‌ها و برقراری ارتباط بین انسان هاست.

پداگوژیک در واقع «نمایش تعلیمی-تربیتی و تربیتی، مبتنی بر خلاقیت است به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران آن را در حوزه نمایش خلاق قرار می‌دهند و آن را ترکیبی از نمایش و تعلیم و تربیت می‌دانند که در آن فرایند کار، نتیجه و محصول کار است.» (آقا عباسی، ۱۳۸۵: ۲۸).

این نوع نمایش را می‌توان از زمره بازی‌های کودک و نوجوان دانست که تأثیر مستقیمی بر تربیتشان دارد. «بسیاری از معلمان کارکننده، حتی بدون آشنایی با فن درام، از روش‌های نمایشی در آموزش استفاده می‌کنند. در حقیقت هر زمان که معلمین از روش‌های گفتاری به سمت و سوی اعمال نمایشی حرکت کنند، به نوعی وارد قلمروی آموزش نمایش می‌شوند.» (Landy, 1995: 13).

شاید بتوان مؤلفه‌های پداگوژیک را این‌گونه شرح داد:

- جنبه‌های آموزشی و تربیتی در اولویت هستند.
- تمرین و کار گروهی بسیار مهم و مورد توجه است.
- اصل بر بداهه‌گویی است و متنی از پیش تعیین شده ندارد.
- نمایش از یک مسئله، مفهوم یا موضوع شروع می‌شود.
- هر کسی می‌تواند در آن نقش بیافریند و بازیگران حرفه‌ای نیستند.
- بسیار ساده اجرا می‌شود و امکانات و تدارکات ویژه‌ای لازم نیست.
- مبنای اجرا، شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص است.

۳-۷. تمثیل‌ها و مضامین تعلیمی-تربیتی هفت پیکر

منظومه هفت پیکر، آموزه‌ای از نوع حماسی، غنایی و تعلیمی است که تلفیقی از افسانه و تاریخ است و سرشار از تمثیل. نظامی با قدرت سخنوری، سخندانی و هنرهای ادبی، ابتکار و خلاقیت که در لفظ و معنی ایجاد کرده است، اثری شگرف خلق کرده که در ظاهر به عشق و دلدادگی‌های بهرام گور به دختران هفت اقلیم و خوشگذرانی‌ها و شهوت‌رانی‌ها و کامجویی‌های وی می‌پردازد، ولی در زیر لایه‌های داستان در صدد تکامل جایگاه والای انسانی است و از همین رو تمثیل‌های غنی و تأویل‌پذیری را ارائه داده است.

هفت پیکر (هفت گنبد) که چهارمین منظومه از پنج گنج حکیم نظامی است، حاوی داستان‌هایی رمزی و به ظاهر مجزایی است که مهم‌ترین ویژگی و عنصر این داستان‌ها، جنبه پندآموزی آن‌ها و تحول تدریجی خصوصیات قهرمان اصلی داستان (بهرام گور) است. «در این منظومه بدیع، دو جریان موضوعی به یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ یکی زندگی بهرام که بر اساس ترتیب زمان حوادث آن است و دیگری داستان‌هایی که در برابر قهرمان منظومه، ناپایداری و بی‌اعتباری این جهان را آشکار می‌سازد و خواننده را وا می‌دارند تا درباره معنای زندگی و نقش خود در آن بیندیشند. در حقیقت این داستان‌ها بهانه‌ای است تا نظامی به بیان حقایق حکمت‌آمیز از شیوه درست زندگی بپردازد.» (سپه‌وندی، ۱۳۹۰).

نظامی، مبانی عرفانی خود را در این قالب به مخاطب نشان می‌دهد و در خلال آن نکاتی می‌آورد که اخلاقی و همه‌فهم است. او اهل معرفت و حکمت است، پس به دنبال قصه نمی‌رود و در کلامش قصه حکم صورت دارد و او از قصه برای تفسیر راز پنهان بهره می‌برد. در هفت تمثیل هفت‌پیکر، آسمان و زمین به هم متصل می‌شوند. هفت قصر، هفت رنگ، هفت روز، هفت زن که همه زمینی هستند، اما سخن از هفت سیاره که به میان می‌آید، آسمان نیز حرفی برای گفتن پیدا می‌کند و اینجاست که زمین و آسمان به هم متصل می‌شوند. بهرام زمینی پس از گذراندن هفت مرحله، آسمانی می‌شود و به تعالی روحی می‌رسد. در هفت‌پیکر، هفت عنصری که کنار هم قرار می‌گیرد، معنایی فراتر از وجه مادی خود را دارند.

بهرام گور

او به مثابه ی یک انسان کامل است و اگرچه در گیر و دار حوادث قرار می‌گیرد و سرزمینش دچار فساد و تباهی می‌شود اما به خاطر فره ایزدی از حادثه دور می‌ماند و نجات می‌یابد. نظامی با آوردن دو شخصیت یکی پیامبر و یکی بهرام طرح تمثیلی معکوس را به تصویر می‌کشد که جلوه‌هایی از آفاق و انفس است. قابلیت‌های ملکوتی را در وجود پیامبر و قابلیت‌های فانی و انسانی را در وجود بهرام متجلی می‌کند. داستان اول، تمثیلی عرفانی است که انسان لذت‌خواه و ماجراجو، هنگامی که افق دیدش وسیع‌تر می‌شود، درمی‌یابد که در زندان تنگ دنیا گرفتار است. پس سیاه‌پوشی می‌تواند تمثیلی از انسان دور مانده از وطن و گرفتار غربت باشد که در واقع زبان شاهزاده سیاه پوش هند بازگو می‌شود. شاهزاده هندی چون از اصل دور افتاده، غمگین و ناراحت است.

زنان

سفر روحانی و تعالی بخش بهرام به عنوان قهرمان با دیدن تصویر هفت شاهدخت هفت اقلیم و نقش و تصویر آنان بر لوح دلش آغاز می‌شود. بعد از آن بهرام آرام و قرار از کف می‌دهد و تا زمانی که مالک این هفت شاهدخت نشد و آن‌ها را در هفت گنبد نگذاشت، خود را مالک جهان ندانست؛ زیرا در واقع این هفت شاهدخت تمثیلی از جهان و زیبایی‌ها و تنوع‌های موجود در آن است.

بهرام در داستان دوم لباس زرد می‌پوشد و به ملاقات «همای»، شاهزاده رومی می‌رود. در این داستان روح انسان‌ها، به ویژه زنان، همراه با نکات عارفانه تحلیل می‌شود. تأکید نظامی در این داستان بر ضرورت راستگویی است.

داستان سوم روز دوشنبه و در گنبد سبز یا آبی با شاهدخت «ناز پری» است. تمثیلی زیبا برای دوری از شهوت رانی و عشق‌های ننگین رنگین.

در داستان چهارم، بهرام لباس سرخ می‌پوشد و به دیدار شاهدخت سقلاب می‌رود. معشوق ازلی در هیئت دختر سقلاب تجلی می‌یابد. یعنی پروردگار جمال و جلال است و در این داستان، نظامی زن را تا مقام معشوق ازلی و ابدی بالا می‌برد و کبر و غرور را مایه تباهی می‌داند.

در داستان پنجم بهرام مهمان آذریون، شاهدخت فیروزه پوش است. او تمثیلی از انسان پاک و بدون طمع و حرص است.

داستان ششم در گنبد سبز و در نزد دختر پادشاه یمن می‌گذرد و داستان خیر و شر است. تمثیلی از داستان نبرد خیر و شر و پیروزی شر بر خیر است.

و در داستان هفتم، بهرام در گنبد سفید با شاهدخت ایرانی، «دُرستی» می‌گذراند. آنجاست که شاهدخت ایرانی بهرام را اندرز می‌دهد و عقل و پاکدامنی را ارجح بر شهوت می‌داند.

رنگ‌ها و سیارات

رنگ یکی از مهمترین تمثیل‌هایی است که نظامی برای روایت هفت پیکر به کار می‌برد در این داستان‌ها ساحتی رمز گرایانه و تحویل پذیر دارند؛ چرا که منشا اصلی این رنگ‌ها نور است و در هفت پیکر، نور کانون جذب دیگر عناصری مثل هفت ستاره، هفت گنبد، هفت اقلیم، هفت بانو و هفت فلز شده است. رنگ تمثیلی از منشا کثرت وجود است که در نهایت در این داستان به وحدت می‌رسد.

عدد هفت

فیلسوفان مسلمان می‌گویند که رنگ، نور منجمد است و نور، رنگ مجرد؛ بنابراین ممکن است بتوانیم عدد هفت را در هفت پیکر، دارای دو وجه بدانیم، به خصوص هفت رنگ را؛ یکی مادی و یکی معنوی. از کنار هم قرار گرفتن این رنگ‌ها و عناصر دیگر، یک هماهنگی و هارمونی ایجاد می‌شود و در طی این هماهنگی و هارمونی است که حق ظهور پیدا می‌کند. تمثیلی که در این کتاب آورده شده، این است که هرگاه زمین وجود انسان با آسمان روح در یک راستا قرار بگیرد و هم‌سو با یکدیگر

شوند، انسان به تعالی می‌رسد و در این بین ممکن است دچار خسران و گناه زیادی شود، اما نباید از پیمودن راه برای رسیدن به ظهور حقیقت دست کشید.

نظامی در هفت‌پیکر، ضمن برشمردن رذایل و خصایص نیک انسانی، شیوه‌های داستان‌نویسی و تصویرسازی را نیز به خوبی رعایت کرده و همین مسئله باعث می‌شود تا منبع خوبی برای اقتباس‌های نمایشی و سینمایی باشد. تمثیل‌های هفت‌پیکر در جزئیات و واژگان نیست و داستان‌های آن کلیتی تمثیلی دارند که مضامینی اخلاقی و تربیتی در آن نهفته است که خود می‌تواند دست‌مایه داستان‌های دیگر قرار گیرد و علاوه بر داستان‌های اصلی، این مضامین می‌تواند در ساخت نمایش‌های پداگوژیک، ویژه کودک و نوجوان راهگشا باشد. مثلاً در ماجرای وزیر ستمگر، اوج عدالت و غم‌خواری بهرام را در حق رعیت می‌بینیم. یا در داستان شاهزاده سیاهپوش که شنبه شب نقل می‌شود، ضمن اشاره به قصه رانده شدن آدم از بهشت، به ماجراجویی انسان‌هایی اشاره می‌کند که به دنبال حرص و طمع و لذت‌جویی هستند و سرانجام به شکست می‌انجامد. از جمله مضامین اخلاقی در هفت‌پیکر، خداشناسی و خداجویی است که در منظومه هفت‌پیکر با زبانی تمثیلی این مهم را به تصویر می‌کشد. بهرام گور در سفری تمثیلی و رو به جلو، از عشق زمینی به عشق آسمانی می‌رسد و از تاریکی و رذالت، به دریای معرفت و محبت دست پیدا می‌کند. او ابتدا عاشق هفت بانو از هفت سرزمین می‌شود که این مسئله می‌تواند تمثیلی از هوس‌رانی و تنوع‌طلبی وی باشد که در نهایت بعد از گذراندن حوادث زیادی به تعالی روح می‌رسد.

خوشر از هرچه در ولایت توست

دل از این رنگ و بوی برداری

گفت کایزد شناختن به درست

گرتوزان معرفت خبر داری

(حمیدیان، ۱۳۸۵: ۷۸۶-۷۸۸)

یا در آنجا که نظامی از زبان بهرام گور، بعد از به پادشاهی رسیدنش، بهترین مناجات و سپاس را در حق خدا به جای می‌آورد و این پیروزی را از خداوند می‌داند، نه زور و بازوی خودش. این مسئله نشان‌گر دور شدن بهرام از خودبینی و غرور است.

کافرین باد بر خدای شناس

شکر نعمت کنم چرا نکنم

از خدا دانم این نه از شمشیر

کارهایی کنم خدای پسند

برخدا خوانم آفرین و سپاس

پشت بر نعمت خدا نکنم

تاج برداشتن زکام دو شیر

چون رسیدم به تاج و تخت بلند

(همان: ۱۳۲۴-۱۳۲۸)

نظامی بهترین یاریگر آدمی را خرد می‌داند و به شدت به آن توصیه می‌کند.

خرد است آن کزو رسد یاری	همه داری اگر خرد داری
هر که داد خرد نداند داد	آدمی صورت است و دیو نهاد

(همان: ۵۰۰۱-۵۰۰۳)

از نظر نظامی، آن‌ها که چشم طمع به زر و سیم دنیا دوخته‌اند، نادان و ریاکاراند و خرد است که آدمی را به تعالی می‌رساند و چشم بصیرتش را روشن می‌سازد تا زیبایی‌های آفرینش را ببیند. نظامی در نصیحت فرزندش، محمد، او را توصیه می‌کند تا به فرا گرفتن علم و هنر پردازد و گنجینه معرفتش را ارتقا بخشد.

هر که ز آموختن ندارد ننگ	در برآرد ز آب و لعل و سنگ
--------------------------	---------------------------

(همان: ۶۰۴)

هنرآموز کز هنرمندی	در گشایی کنی نه در بندی
--------------------	-------------------------

(همان: ۶۰۹)

به اعتقاد نظامی، عاقبت به خیری و نکو نامی در گرو هم‌صحبتی با خیرخواهان است و در بخش‌های مختلف هفت پیکر نیز به آن اشاره می‌کند. او یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شاهان و رهبران را نیک‌اندیشی و نیک‌نامی و اصالت می‌داند.

صحبتی جوی کز نکونامی	در تو آرد نکو سرانجامی
همنشینی که نافه‌بوی بود	خوب‌تر ز آنکه یافه‌گوی بود

(همان: ۵۸۰-۵۸۱)

انتخاب دوست یکی دیگر از مهم‌ترین مضامین اخلاقی توصیه‌شده در هفت پیکر است. نظامی دوستی و همنشینی با اژدهامنشان را عامل اصلی به خاک نشستن انسان می‌داند. او کشتن و طرد کردن افراد بدگوهر و بداندیش را از جمله هنرهای ارزنده‌ای خطاب می‌کند که باعث تعالی روح است.

گوهر نیک را ز عقد مریز	و آن که بد گوهر است ازو بگریز
بدگوهر با کسی وفا نکند	اصل بد در خطا، خطا نکند

(همان: ۵۹۸-۵۹۹)

تلاش و کوشش یکی دیگر از مضامین اخلاقی است که نظامی، ابیات زیادی را در اهمیت آن آورده است.

رنج برد توره به گنج برد	ببرد گنج هر که رنج برد
تاک انگور تا نگرید زار	خنده خوش نیابد آخر کار
مغز بی استخوان ندید کسی	انگبینی کجاست بی مگسی
ابر بی آب چند باشی چند	گرم داری تنور، نان در بند
پرده بر بند و چابکی بنمای	روی بکران پردگی بگشای

(همان: ۱۸۱-۱۸۵)

نظامی مناعت طبع انسان را در بخشش زیاد و کم خوری می‌داند و این یکی از مهم‌ترین نکاتی است که اسلام به کرات بر آن تأکید دارد و امام علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «از بخشیدن مال اندک شرم مکن؛ زیرا نومید کردن کمتر از آن و به شرمندگی سزاوارتر است.» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱: ۱۱۱۵).

نانی از طبع خود دهی به کسان به که حلوا خوری ز خوان خسان

(نظامی؛ به نقل از برات زنجانی، ۱۳۷۰: ۶۴۵)

نظامی با استناد به داستان سلیمان و بلقیس که بر اثر راستگویی بیماری دست و پای از طفل برطرف شد، تأکید به راستگویی دارد و توصیه می‌کند که در مواجهه با مشکلات، راستی پیشه کنیم.

راست گفتن چو در حریم خدای آفت از دست برد، رنج از پای

به که ما نیز راستی سازیم تیر بر صید راست اندازیم

(همان: ۲۶۸۹-۲۶۹۰)

با تعمق و تفکر در تمثیل‌های هفت‌پیکر، مفاهیم تعلیمی-تربیتی بی‌شماری را خواهیم یافت که نظامی، برای بیان‌شان از شیوه داستان در داستان بهره برده است. هفت‌پیکر، گنجینه‌ای است سرشار از پندها و اندرزها و مکارم اخلاقی که برای تربیت و تعالی نوع انسان، گره‌گشاست. از همین رو، هفت‌پیکر می‌تواند الهام‌بخش نویسندگان برای اقتباس باشد. از آنجا که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نمایش پداگوژی، بداهه‌گویی است، پیشنهاد می‌شود که قبل از اجرای نمایشی، کارگردان یا مربی، قسمتی از این داستان‌ها را که اقتباس کرده و مضمونی تعلیمی-تربیتی دارد، به عنوان تجربه ادبی و فضاسازی

برای بازیگران بخواند تا ذهنیت بازیگران برای ساخت نمایشی بداهه آماده شود؛ از طرفی متون نمایشی ساده و اقتباسی از هفت پیکر نیز می‌تواند راهگشا باشد.

در ادبیات کودکان، عموماً اقتباس‌های پیچیده‌ای اتفاق نمی‌افتد و با توجه به غنای هفت پیکر می‌توان از شیوه‌های اقتباسی زیر برای ساخت نمایش پداگوژیک، ویژه کودک و نوجوان بهره برد:

- علاوه بر نوشتن متون نمایشی در شیوه‌های دیگر اقتباس برای کودکان، اقتباس‌های بسته، مانند بازنویسی با تغییرات اندک یا زیاد، گزیده‌نویسی و تلخیص می‌تواند مدنظر باشد.
- در اقتباس‌های باز نیز، بازآفرینی و بازنگری کاربردی‌ترین شیوه‌های اقتباسی است که می‌تواند برای کودکان و نوجوانان مثمرتر واقع شود.

۸. نتیجه‌گیری

نظامی در هفت پیکر مانند پیری کاردان و با کفایت و در خلال داستان‌های پندآموز به هدایت و ارشاد مخاطبش می‌پردازد. او از قصه استفاده می‌کند تا مخاطبش را تحت تأثیر قرار دهد. تمثیل‌هایی که نظامی در هفت پیکر به کار می‌برد، یک خط اصلی دارد و شاید بتوان آن را چنین تأویل کرد که انسان برای رسیدن به تعالی، باید روح، که همان آسمان است و جسم که همان زمین است را با یکدیگر هم‌ساز کند و هر دو حق را فریاد بزنند.

در هفت پیکر، هفت داستان تمثیلی وجود دارد که سرشار از مضامین تعلیمی-تربیتی است. شخصیت‌ها، رنگ‌ها، سیارات، فلزها و ... که در این هفت داستان آورده شده، هرکدام تمثیلی است که در جهت تکمیل کردن تمثیل دیگر برمی‌آید و در نهایت تمثیلی کلی از سیر تعالی روح انسان را در می‌اندازد.

با توجه به اهداف انسان‌سازی نمایش پداگوژی و اهمیت اقتباس از متون کهن، هفت پیکر می‌تواند منبع خوبی برای ساخت اقتباس‌های نو باشد. بازیگران نمایش پداگوژی عموماً کودکان و نوجوانان هستند که با بهره‌گیری از تجربه‌های ادبی و اقتباس‌های سازنده می‌توانند اندیشه خود را بارور کنند و در پی آن تفکر انتقادی و فلسفیشان رشد پیدا کند؛ اگرچه ممکن است مضامینی مانند خداشناسی، انتخاب دوست، برقراری عدل، ظلم‌ستیزی و ... در دیگر متون کهن به وفور توصیه شده باشد، اما در هفت پیکر نظامی به خاطر جنبه‌های روایی و داستانی، آن هم از نوع تمثیل‌های جزئی‌نگرانه، ملموس‌تر و تأثیرگذارتر است.

در هفت‌پیکر، گاه ما شاهد صحنه‌هایی هستیم که ممکن است به کار کودکان و نوجوانان نیاید، اما با استفاده از اقتباس‌هایی مانند بازنویسی، بازنگری، بازآفرینی، تلخیص و ... می‌توان متونی ساخت که ضمن معرفی و بهره‌گیری از متون کهن، به ساخت آثار کاربردی نیز منجر شود.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آباد، فرزانه. حاتم پور، شبنم. سرخی، فرزانه و طهماسبی، فریدون. (۱۴۰۰). تمثیل شگردی تعلیمی در مثنوی معنوی. فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی-واحد بوشهر، دوره ۱۳، شماره ۵۰ (۴)، ص ۴۰-۶۴.
۲. آقا عباسی، یدالله. (۱۳۸۴). نمایش خلاق: قصه‌گویی و تئاترهای کودکان و نوجوانان. تهران: قطره.
۳. دارابی پور، الهام. (۱۳۹۱). تبیین مبانی فلسفی نمایش‌پداگوژی و ارائه راهکارهایی برای آموزش و پرورش ایران. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. دانشگاه تربیت مدرس.
۴. سپه‌وندی، مسعود. (۱۳۹۰). جنبه‌های تعطیلی و تمثیلی داستان روز شنبه در گنبد سیاه (از هفت‌پیکر نظامی)، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی-واحد بوشهر، دوره ۳، شماره ۱۰ (۴)، ص ۱۰۵-۱۲۸.
۵. نظامی گنجه‌ای، الیاس. (۱۳۸۳). هفت‌پیکر. به کوشش برات زنجانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. ----- (۱۳۸۵). هفت‌پیکر. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
۷. نهج‌البلاغه. (۱۳۷۱). ترجمه اسدالله مشری. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. وفایی، عباسعلی و آقابابایی، سمیه. (۱۳۹۲). بررسی کارکرد تمثیل در آثار ادبی تعلیمی. نشریه علمی-پژوهشی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره پنجم، شماره هجدهم، ص ۲۳-۴۶.
9. Fleer, M. , Kamaralli, A. (2017). Cultural Development of the Child in Role-Play: Drama Pedagogy and Its Potential Contribution to Early childhood Education. Multidisciplinary Perspectives on Play from Birth and Beyond, 18, 111-128
10. Landy, Robert. j. p, stern. (1995). Nietzscheon Tragedy, University Press. Cambridge.

References

1. NahjolbalAqe. (1371). Translated by Assadollah Mobasheri. Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (In Persian)
2. Abad, Farzaneh. Hatampour, Shabnam. Sorkhi, Farzaneh and Tahmasebi, Fereydoun. (1400). An allegory of an educational technique in the spiritual Masnavi. Quarterly Journal of Allegorical Research in Persian Language and Literature. Islamic Azad University-Bushehr Branch, Volume 13, Number 50 (4), pp. 40-64.(In Persian)
3. Agha Abbasi, Yadollah. (1384). Creative Performance: Storytelling and Theater for Children and Adolescents. Tehran: Qatre. (In Persian)
4. Darabipour, Elham. (1391). Explain the philosophical foundations of pedagogy and provide solutions for Iranian education. Master Thesis in Education History and Philosophy of Education. Trabiati Modares University. (In Persian)
5. Sepahvandi, Massoud. (1390). The explanatoy and figurative viewpoints of the story "Saturday in the black firmament (from seven figures of Nezami), Quarterly Journal of Educational and Lyrical Research in Persian Language and Literature, Islamic Azad University-Bushehr Branch, Volume 3, Number 10 (4), pp. 105-128.(In Persian)
6. Nizami Ganjavi, Ilyās. (1383). Haft Peykar. By your efforts of Barat Zanjani. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
7. ----- . (1385). Haft Peykar. By the efforts of Saeed Hamidian. Tehran: Qatre. (In Persian)
8. Vafaie, Abbas Ali and Aghababaei, Somayeh. (2013). Investigating the function of allegory in educational literary works. Scientific-Research Journal of Educational Literature Research Journal, Volume 5, Number 18, pp. 23-46.(In Persian)
9. Fleer, M. , Kamaralli, A. (2017). Cultural Development of the Child in Role-Play: Drama Pedagogy and Its Potential Contribution to Early childhood Education. Multidisciplinary Perspectives on Play from Birth and Beyond, 18, 111-128
11. Landy, Robert. j. p, stern. (1995). Nietzscheon Tragedy, University Press. Cambridge.